



طرح شیطانی ترامپ

سیداحمد خاتمی، در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران در واکنش به طرح ترامپ برای غزه گفت: «طرح شیطانی ترامپ و نقشه‌هایی که علیه ملت فلسطین کشیده شده، هدف‌شان تحقیر و سلطه بر مردم فلسطین است. برخی کشورها در برابر این جنایات ساکت یا منفعلند؛ من به این کشورها می‌گویم: پیامبر(ص) مقابل ظلم ایستاد، نه آنکه در برابر آن ساکت بماند.» او در بخش دیگری گفت: «عده‌ای امروز می‌گویند ایران نباید غنی‌سازی داشته باشد و همان‌ها قبلاً گفته‌اند که نباید موشک بردبلند و میان‌برد داشته باشیم، تا اگر حمله‌ای رخ داد، توانیم مقاومت کنیم و کشور را شخم بزنند. این نگاه ذلت‌بار را نمی‌پذیریم. زندگی در ذلت نیست؛ زندگی باید با عزت باشد.»



تلاش برای از بین بردن خداباوری

سیداحمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد در خطبه‌های نماز جمعه این هفته گفت: «آنچه در دفاع ۱۲ روزه ما رخ داد، مقاومت و قدرت انسجام مردم بود؛ این انسجام شامل سه مؤلفه خداباوری، خودباوری و مردم‌باوری است؛ اگر این سه باور در جامعه ما حاکم شد؛ ما قدرت و انسجام‌مان در مقابل تمام دنیا کامل شده است و می‌توانیم در مقابل همه بایستیم.» او ادامه داد: «دشمن می‌خواهد خداباوری را با توسعه مفاسد اخلاقی و اجتماعی در جامعه‌ما از بین ببرد؛ همچنین در جنگ ۱۲ روزه اخیر آمریکا با حمایت تسلیحاتی از اسرائیل قصد داشت خودباوری ما را نابود کند اما در مقابل جوانان غیور و ایثارگر ما در صنایع موشکی به شکلی عمل کردند که دشمن را شکست دادند.» او همچنین گفت: «مردم حاضر نیستند با بعضی از جریان‌ها و مسائلی که با دین آن‌ها تعارض دارد، سازگار شوند؛ اینکه هر کسی بیاید با سفره مردم بازی کند نفع‌ها خائن به کشور است بلکه خائن به خداست؛ آن کاسبی که هر روز قیمت ارز و دلار را نگاه می‌کند و بر نرخ اجناس خود می‌افزاید این خائن به خداست و مسلمان نیست.»

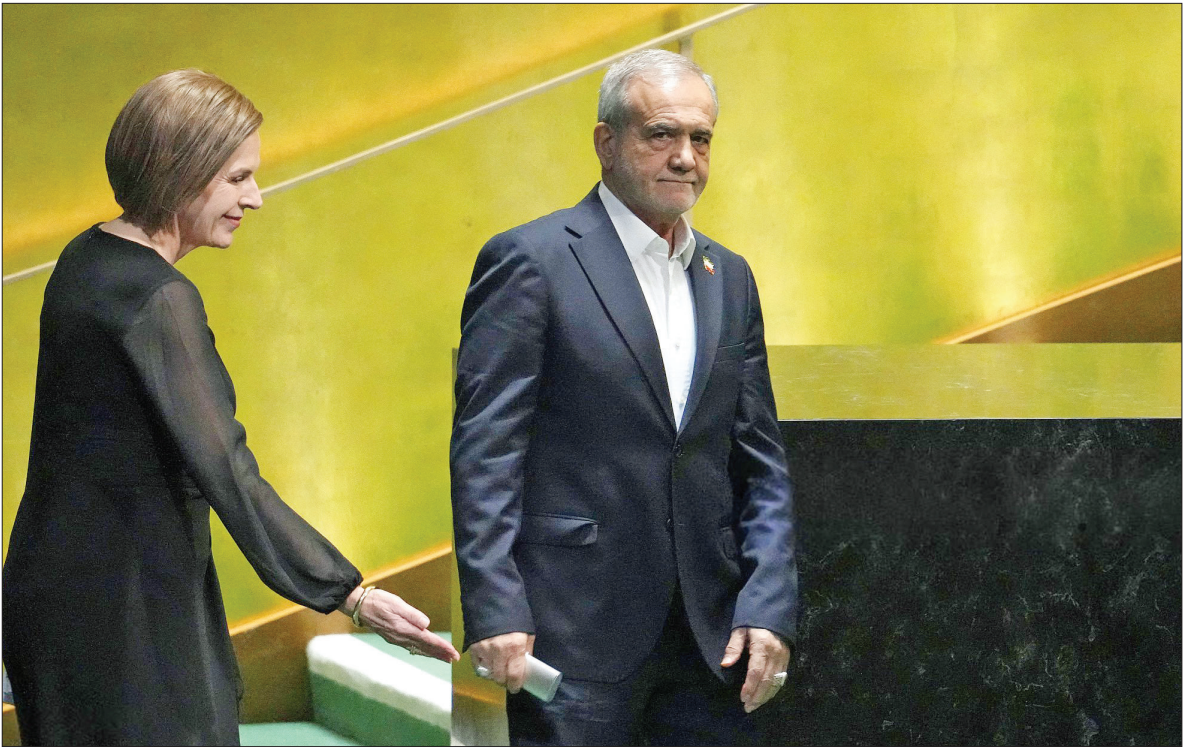


از بمب و موشک مایوس شدند

احمد مطهری اصل، امام جمعه تبریز در خطبه‌های این هفته نماز جمعه با تاکید بر اینکه مکانیسم ماشه هیچ تأثیر اقتصادی مهمی در کشور ما ایجاد نمی‌کند، گفت: «امریکا ۹۵ درصد تحریم‌ها را علیه کشور ما اعمال کرده و تنها پنج درصد برای این کشورها مانده است بنابراین این میزان نیز اثر قابل توجهی بر مردم ایران نخواهد داشت. علت فعال‌سازی مکانیسم ماشه این بود که آن‌ها مایوس شدند زیرا که نتوانستند از راه‌های مختلف مانند بمب، موشک و اعمال تحریم‌های ساده کشور ما را وادار به تسلیم کنند.» او ادامه داد: «امید آنها از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، ایجاد نا رضایتی در بین مردم و تأثیر روانی بر آنها، به خیابان کشیدن مردم و مایوس کردن آنان از حمایت از نظام جمهوری اسلامی است.»

شادمان از تحریم

بررسی مواضع راست رادیکال درپی شکست برجام و اجرایی شدن اسنپ‌بک



عکس: Gettyimages



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

۱۰ سال پیش که برجام به عنوان توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ مطرح شد و به امضای طرفین رسید، در داخل ایران از سوی جریان‌های سیاسی واکنش‌های مختلفی شکل گرفت. در برابر آن‌ها که موافق چنین تصمیم و توافقی بودند که سایه قطعنامه‌ها و عواقب آن را از سرمان برمی‌داشت، جریان و صدای دیگری هم بود (که البته در همان زمان دولت حسن روحانی و تلاش‌های آنها برای تحقق این توافق، هم صدای بلندی محسوب می‌شد). جریانی که بخش عمده آن یا پیشتر مسئول مذاکرات هسته‌ای بودند مانند سعید جلیلی که نتیجه سیر مذاکراتش آن قطعنامه‌های مشهور بود و یا طرفداران آن‌ها در دولت قبل از حسن روحانی یعنی در دولت محمود احمدی‌نژاد. افرادی که صدایشان در مجلس نهم اصولگرا بلند شد و علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی را تهدید کرد و روح‌الله حسینیان به عنوان یکی از این چهره‌ها در جلسه‌ای خطاب به او «قسم جلاله یاد کرده‌اند که وی را در تأسیسات آب سنگین اراک اعدام کنند و داخل بتن قرار دهند». البته در نهایت برجام در همین مجلس به تصویب رسید. از این پس این جریان که بخشی از تندروهای اصولگرایی را تشکیل می‌دهند، کارویژه خاصی را در پیش گرفتند.

مسعود سپهر استاد علوم سیاسی:

ابزار سیاست خارجی در دعوای سیاسی کشور را تضعیف کرده است



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

مسعود سپهر، استاد علوم سیاسی در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به تلاش‌های افراطیون داخلی و خارجی برای رسیدن به منافع حزبی می‌گوید افراطیون چپ و راست متحد همدیگر هستند و برای رسیدن به اهداف خود حاضر بودند همه چیز را فدا کنند. در حال حاضر افراطیون برانداز و افراطیون موعودگرا هر دو وعده به چیزی می‌دهند که جزیک تصویر و آینده مبهم در آن چیزی نیست.

«**عده‌ای** از تندروهای اصولگرا که البته ادعای انقلابی‌گری هم دارند نسبت به فعال شدن مکانیزم ماشه و ناکامی دولت برای جلوگیری از وقوع آن ابراز خوشحالی کردند؛ تحلیل‌تان از این رفتار در میان جریان‌های سیاسی چگونه است؟»

اینکه گروهی مسائل و منافع ملی را در پرتو منافع جناحی خود تفسیر کنند موضوع تازه‌ای در کشور ما نیست. همه کشورهای دنیا، بخش منافع ملی و رقابت‌های داخلی را از رقابت‌های جناحی تفکیک می‌کنند و زمانی که در برابر موضع خارجی قرار می‌گیرند همه با هم متحد هستند و سعی می‌کنند از ابزار سیاست خارجی در داخل استفاده نکنند. متأسفانه در کشور ما از همان ابتدای پیروی انقلاب اسلامی، استفاده از ابزار سیاست خارجی در دعوای‌های جناحی و داخلی بسیار رخ داده است و بسیاری از زبان‌هایی که به کشور وارد شد نیز از همین ناحیه بود. برای مثال از

قانون «اقدام راهبری برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» در مجلس یازدهم بود که به گفته دولتمردان آن زمان، مانع بزرگی بر سر احیای برجام بود و به نوعی از این کانال، احیای برجام در آن بازه زمانی از دست رفت.

سوم؛ با پایان دولت دوازدهم همین جریان از این عدم موفقیت دولت روحانی در این مذاکرات انتقاد کرد. دولت سیزدهم که دولت مقبول و مطلوب‌شان بود نیز وقتی روی کار آمد ابتدا به دنبال یک مذاکره حداکثری پیش رفت و اما در ادامه همان‌ها پیگیر همان احیای برجام و خواهان بازگشت به توافق قبل شدند که البته بی‌نتیجه ماند.

چهارم؛ از سال ۱۴۰۳ که در پی سقوط بالگرد سیدابراهیم رئیسی و امیرعبداللهیان بار دیگر دولت عوض شد و تیم جدید که اتفاقاً موافق توافق برجام و خواهان تنش‌زدایی بودند روی کار آمدند و تلاش جدیدی را در راستای حفظ برجام آغاز کردند در روی کار آمدن این دولت حمله به محمدجواد ظریف به عنوان وزیر خارجه دولت حسن روحانی که توانست برجام را به امضا برساند، آغاز شد که البته همین جریان موجب حذف او از دولت شد. دولت هم دربارۀ احیای برجام که آخرین سال آن بود موفق نشد و مکانیزم ماشه که وضعیت ایران در سطح بین‌الملل را به سال‌های قبل برجام باز می‌گرداند، فعال شد و موج جدید واکنش این جریان آغاز شد.

▼ مکانیزم ماشه فعال شد

فعال شدن مکانیزم ماشه طی هفته‌های اخیر موضوع داغ رسانه‌ها بود؛ از اهمیت آن تا آثار فعال شدن آن در این بین مطرح شد و آنچه در پی فعال‌سازی مکانیزم ماشه از سوی این جریان تندرو اصولگرا مطرح شد قابل تأمل است. مثلاً سعید جلیلی در حساب ایکس خود، توثیت قدیمی خود را بازنشر کرد و برجام و روند مذاکرات آن را با «خسارت محض و ۱۰ سال گذشت» یاد کرد. در توثیت قدیمی او آمده بود: «افتخار می‌کنم در دوره ما توافقی امضا نشد که اگر طرف مقابل آن را نقض کرد ایران حتی نتواند شکایت کند.» امیرحسین ثابتی، از نزدیکان سعید جلیلی، در اظهارنظری تند، این رویداد را «پایان رسمی برجام» و «به تاریخ پیوستن» این توافق خوانده است. ثابتی در پستی در کانال تلگرامی خود، برجام را «توافقی استعماری و یکطرفه» توصیف کرد که به گفته وی «ده سال عمر یک ملت را تلف کرد و زیرساخت‌های اتمی ایران را محدود نمود.»

یا محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه نوشت: «به حول و قوه الهی ۲۸ سپتامبر (۶ مهر) به روز ملی قطع کامل امید از آمریکا و غرب تبدیل و سرآغاز تحول اقتصادی با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و تعمیق پیوندهای اقتصادی با کشورهای شرق، همسایه و دوست خواهد شد.»

همین سه نمونه کافی بود برای اینکه افرادی مانند محمدرضا جوادی‌یگانه، مشاور اجتماعی رئیس‌جمهور در کانال تلگرامی خود بنویسد: «این حجم از شادی بر عدم موفقیت رقیب سیاسی در غلبه بر تحریم‌ها، و بی‌توجهی مطلق به شدت نگرانی اقتصادی مردم، در میانه یک فرسایش تمدنی را انتها می‌توان با از دست رفتن حسگرهای کلان شناسایی خطر تحلیل کرد. مقایسه کنید این تفاخرها را با احساس بی‌ایندگی و کرختی ناشی از استیصال در مردم.» یا غلامحسین کرباسچی، مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن در گفت‌وگو با خبرنگاران بگوید: «الح‌ن‌شان و اظهار خوشحالی‌شان، همان لحن و شادمانی‌ای است که از سوی «ضدانقلاب خارج‌نشین»، بعضاً در اسرائیل و حتی در نطق‌هایی که به نام آقای نتانیاهو مطرح می‌شود، شنیده می‌شود و برای بنده بسیار عجیب است. واقعاً

بزرگه‌های حساس صدای واحدی شنیده شود و بیگانگان حتماً از این تفرق و جدایی موجود حداکثر استفاده را می‌کنند و سود آن نیز تنها به بیگانگان می‌رسد. اینکه با چنین شرایطی چکار می‌شود کرد باید توجه کرد که به‌جای گشتن به دنبال موارد کوچک در حرف‌های گروه‌های سیاسی و متهم شدن از سوی آنها، به روشنی منافع ملی را به طوری که تمام ملت بر آن اجماع داشته باشند تعریف کنیم و آن را خط قرمزى بدانیم که هیچ‌کس به خاطر منافع خود از آن خط قرمزها عبور نکند و این برعهده‌عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری در نظام است.

«**در برابر، جریان دیگری را هم که مخالفان جمهوری اسلامی هستند نیز از این اتفاق به عنوان ابزار فشار استقبال کردند. نزدیکی واکنش‌های این دو طیف به ویژه در زمینه ناکامی‌های دولت را چگونه تحلیل می‌کنید؟**»

جمله‌ای از لنین نقل می‌شود که چپ افراطی و راست افراطی دو اسب هستند که به یک درشکه بسته می‌شوند، یعنی در نهایت کار را به یک نقطه می‌رسانند. همیشه افراطیون چپ و راست متحد همدیگر هستند و کار را به یک نقطه می‌رسانند و این چیز عجیبی نیست. در طول تاریخ همواره اینگونه بوده است که افراطیون برای رسیدن به اهداف خود حاضر بودند همه چیز را فدا کنند. چراکه افراطی‌گری بر مبنای تعصب است و اینگونه تعبیر می‌کنند که هرکسی با من نیست علیه من است و افراطیون برانداز و افراطیون موعودگرا هر دو وعده به چیزی می‌دهند که جزیک تصویر و آینده مبهم در آن چیزی نیست و هر دو با حرکت تدریجی و اصلاحی و با وحدت صفوف ملت مخالف هستند. افراطیون همیشه از آب گل آلود ماهی می‌گیرند و با عوام‌فریبی و پوپولیسم گرای می‌خواهند کارهای خود را پیش ببرند و طبیعی است که هر دوی این گروه‌ها از وضعیت اصلاح طلبانه تدریجی ناراضی باشند و به یک نقطه حمله کنند؛ پس با همدیگر هم‌داستان می‌شوند.

«**فعالان سیاسی، رسانه‌ها و حاکمیت در برابر چنین جریانی که در شرایط فعلی می‌توان گفت به نوعی بی‌توجه به وضعیت مردم واکنش نشان می‌دهند به نظر چگونه باید باشد؟**»

همان ابتدا در مسئله اشغال سفارت آمریکا، جناح‌های رقیب به رقابت پرداختند و چون در آن زمان انقلابی‌گری خریدار بیشتری داشت، آتش مخالفت را تندتر کردند. در جنگ تحمیلی نیز همین مسئله اتفاق افتاد و همین‌طور که جلو رفتیم، در زمان دولت سازندگی نیز حرف‌هایی از آقای هاشمی نقل می‌شد در خواست‌های ایشان از طرف جناح تندرو پذیرفته نمی‌شد. در دوره اصلاحات اوج این اتفاق رخ داد و در نهایت در دوره آقای احمدی‌نژاد با طرح مسائلی مانند هولوکاست و نمایش انقلابی‌گری نمایشی و غیره کشور را به بیچارگی کشاند.

«**یک تحلیل وجود دارد که چنین واکنشی از سوی برخی از سیاسیون در راستای این است که آنها چون نگاه به شرق دارند، از آن استقبال کردند.**»

یکی از نمایندگان مجلس در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس ۲۸ سپتامبر (۶ مهر) را روز ملی «قطع کامل امید از آمریکا و غرب» و سرآغاز تعمیق پیوندهای اقتصادی با کشورهای شرق

و... عنوان کرده است. تحلیل‌تان از این نوع نگاه چیست؟

این مسئله به این دلیل است که افراد بقای خود را به منافع ملی و بقای کشور اولویت می‌دهند و تا زمانی که این فکر وجود داشته باشد، این مسائل تکرار نیز خواهد شد. مسئله علم سیاست این است که کشور دارای حاکمیت واحد است و در برابر کل دنیا یک‌صدا شنیده می‌شود. معنای حاکمیت واحد توافق بر سر اصولی است که متضمن منافع و بقای یک کشور است. از همان سال‌های ابتدایی پس از انقلاب این نظریه که ایران دچار حاکمیت دوگانه شده، مطرح است و این مهمترین دۆگانه شده، مطرح است و این مهمترین خطری است که اجازه نمی‌دهد در

